

رسانه‌های غربی، طوطی‌وار مواضع آمریکا را تکرار می‌کنند

روزنامه‌نگار و نویسنده مشهور فرانسوی با تاکید بر سلامت برنامه هسته‌ای ایران گفت: رسانه‌های غربی، طوطی‌وار مواضع کاخ سفید را تکرار می‌کنند...



روزنامه‌نگار و نویسنده مشهور فرانسوی با تاکید بر سلامت برنامه هسته‌ای ایران گفت: رسانه‌های غربی، طوطی‌وار مواضع کاخ سفید را تکرار می‌کنند.

به گزارش فارس، "تیری میسان" روزنامه‌نگار صاحب‌نام فرانسوی و رئیس کنفرانس "محور صلح" طی مقاله‌ای در پایگاه خبری تحلیلی "ولترنت" به بررسی جار و جنجال‌های تبلیغاتی غرب علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران پرداخته است. بر اساس این گزارش، میسان معتقد است که بحث و جدل موجود پیرامون برنامه هسته‌ای ایران تنها موجب تیره و مبهم شدن حقایق شده است.

در حقیقت ظن بی‌دلیل و دروغین کشورهای غربی منحصر با هدف منزوی کردن کشوری است که تسلط و برتری قدرت‌های هسته‌ای در حوزه‌های انرژی و نظامی و حتی حق وتوی آن‌ها در شورای امنیت سازمان ملل را زیر سوال برده است. میسان در مقاله خود می‌نویسد: کاخ سفید بسته رسانه‌ای را در مورد قطعنامه شماره 1929 شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را بواسطه ارتباطات وسیع خود منتشر کرد و طبق معمول رسانه‌های غالب و بزرگ دنیا نیز بدون هیچ‌گونه رویکرد انتقادی، اقدام به پخش آن کردند.

این گزارش می‌افزاید: به گفته رسانه‌های غربی که طوطی‌وار مواضع کاخ سفید را تکرار می‌کنند، قطعنامه 1929 با "اکثریت قاطع" به تصویب رسید و "پاسخی به خودداری دائمی ایران از عمل به تعهدات بین‌المللی مرتبط برنامه هسته‌ای خود" بود. اما بیائید تا نگاهی نزدیک‌تر به وقایع داشته باشیم. از 15 عضو شورای امنیت، 12 عضو از جمله 5 عضو دائم این شورا به قطعنامه 1929 رای مثبت دادند، یک عضو رای ممتنع و دو عضو نیز به این قطعنامه رای منفی دادند.

میسان می‌نویسد: این "اکثریت قاطع" در حقیقت یک انشعاب جدید سیاسی را نیز در بر دارد. بطوریکه برای اولین بار در تاریخ شورای امنیت، بلوکی از کشورهای در حال ظهور، یعنی برزیل و ترکیه که از سوی کشورهای عضو عدم تعهد نیز حمایت می‌شوند، موضعی برخلاف اعضای دائم شورا (چین، فرانسه، روسیه، انگلیس و آمریکا) و کشورهای تابع آن‌ها اتخاذ کردند. بنابراین در حقیقت این "اجماع منهای دو رای"، نشان دهنده ایجاد رخنه و شکافی بین پنج کشور بزرگ و کشورهای است که به آن‌ها جهان سوم گفته می‌شود، کسانی که صدای آن‌ها به حساب نمی‌آید.

این در حالی است که برزیل نقش کلیدی را در ایجاد معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در آمریکای جنوبی، موسوم به "تلاتولوکو" (Tlatelolco)، ایفا کرد. ترکیه نیز بطور فعالی اهداف مشابهی را در خاورمیانه دنبال می‌کند. بنابراین در مخالفت این دو کشور با اشاعه تسلیحات هسته‌ای هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

گذشته از آن، با توجه به این حقیقت که ترکیه دارای مرز مشترک با ایران است، می‌باید بیش از دیگران به دنبال جلوگیری از دستیابی تهران به بمب اتمی باشد.

گزارش ولترنت می‌نویسد: با این وجود پس چرا ترکیه و برزیل به قطعنامه 1929 رای مخالف دادند؟ در حقیقت همانطور که می‌بینیم، مشکلات موجود، بوسیله قدرت‌های بزرگ ایجاد شده‌اند تا ایران و بلوک غیر متعدها نتوانند به دنبال مزایا و حقوق خود باشند. رئیس کنفرانس محور صلح در بخش دیگری از مقاله خود به ادعای برخی کشورهای غربی در مورد تلاش ایران برای دستیابی به بمب هسته‌ای پرداخته است و می‌نویسد: طی دوران حکومت رضا شاه پهلوی، ایالات متحده و فرانسه برنامه گسترده‌ای را برای تجهیز تهران به بمب اتمی اجرا کردند. از دیدگاه تاریخی عموماً این امر پذیرفته شده است که ایران کشور توسعه‌طلبی نیست و بنابراین قدرت‌های بزرگ می‌توانند با خیال آسوده، چنین فناوری‌هایی را نیز در اختیار این کشور بگذارند.

اما این برنامه با شروع انقلاب اسلامی توسط کشورهای غربی متوقف شد و مراغه حقوقی را با تمرکز بر شرکت "یورودیف اس.ای" (Eurodif S.A) بوجود آورد.

این گزارش با اشاره به آنکه مقامات ایرانی تاکید کرده‌اند برنامه ساخت بمب اتمی هیچ‌گاه مجدداً ادامه نیافت، می‌نویسد: آیت‌الله خمینی و جانشین او، تولید، ذخیره، استفاده و حتی تهدید به استفاده از تسلیحات هسته‌ای را بر خلاف ارزش‌های مذهبی کشورشان دانستند و آن را ممنوع اعلام کردند.

در دیدگاه آن‌ها، استقرار تسلیحات کشتار جمعی که هم نظامیان و هم غیرنظامیان را خواهد کشت، از لحاظ اخلاقی غیرقابل پذیرش است.

میسان می‌افزاید: بنابراین ممنوعیت ساخت، ذخیره و استفاده از تسلیحات هسته‌ای در تاریخ نهم آگوست 2005 بواسطه حکمی از سوی رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، تبدیل به قانون شد.

این روزنامه‌نگار فرانسوی ادامه می‌دهد: رهبران ایران تبعیتشان از اصول اخلاقی را به نمایش گذاشته‌اند. به ویژه در زمان جنگ با عراق که مردم ایران مجبور شدند هزینه گزافی را بابت آن بپردازند.

میسان تصریح می‌کند: صدام حسین دستور داد که موشک‌ها بطور بی‌هدف به شهرهای ایران شلیک شوند. ارتش ایران نیز کوشید تا بطور مشابه پاسخ عراق را بدهد اما امام خمینی مداخله کرد و بر پایه اصول اخلاقی، شلیک موشک به شهرهای دشمن را ممنوع اعلام کرد.

در واقع ایران ترجیح داد تا جنگ طولانی‌تری را تحمل کند تا آنکه به واسطه شلیک بی‌هدف تسلیحات، به پیروزی برسد. گزارش ولترنت ادامه می‌دهد: به چگونگی عملکردهای ایران توجه کنید، به نظر غیرمحمتمل می‌رسد که چند نفر بتوانند از دستورات و یاد شهدای جنگ با عراق تخطی کرده و برنامه مخفیانه‌ای برای ساخت تسلیحات هسته‌ای را برپا کنند. بنیانگذار پایگاه خبری تحلیلی ولترنت می‌نویسد: مواضع ایران حتی از قوانین بین‌المللی نیز جلوتر است. در حقیقت در حوزه بین‌الملل تا سال 1996 که دادگاه بین‌المللی لاهه، هرگونه سلاح کشتار جمعی و استفاده از آن‌ها را عمل مجرمانه شناخت، قانونی در این مورد وجود نداشت.

با این حال، با توجه به آنکه نظر دادگاه لاهه تنها مشورتی بوده و الزام‌آور نیست، قدرت‌های بزرگ نیز می‌توانند به سادگی از کنار آن بگذرند.

میسان ادامه می‌دهد: اما افسانه برنامه هسته‌ای نظامی ایران، توسط انگلیس و آمریکا و بعد از یورش آن‌ها به افغانستان و عراق ساخته و پرداخته شد.

در واقع استراتژی نهایی آمریکا و انگلیس این بود که ایران را محاصره کرده و از طریق دو کشور همسایه، عملیات گازانبری علیه تهران صورت دهند.

بر اساس این گزارش، در آن زمان، سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس اقدام به انتشار اطلاعات نادرستی در مورد ایران کردند. که مشابه چنین اقدامی را هم پیش از آن و در مورد تسلیحات کشتار جمعی صدام حسین انجام داده بودند.

اما اطلاعاتی که به کشورهای متفق و رسانه‌ها ارایه می‌شد در بیشتر موارد توسط گروهی از ایرانیان تبعیدی موسوم به "مجاهدین خلق" (منافقین) تامین می‌شد. این در حالی بود که بعدها روشن شد که این گروه، طی زمان و با توجه به نیازهای خود اقدام به دستکاری و جعل اطلاعات می‌کردند.

این در حالی بود که مجاهدین خلق با وجود آنکه در عراق مستقر بوده و از حمایت گروهی از خانواده‌های محلی نیز برخوردار بود، نتوانست به هیچ‌یک از سازمان‌های سپاه پاسداران در داخل ایران نفوذ کند.

امروزه نیز کارشناسان آمریکایی متوجه شده‌اند که منابعی همچون مجاهدین خلق، کاملاً بی‌ارزش هستند. و تنها نومحافظه‌کاران و سرویس‌های مخفی فرانسه که از مقر اصلی مجاهدین خلق در این کشور محافظت می‌کنند، هستند که همچنان به این گروه اعتماد دارند.

میسان تاکید می‌کند: در واقع همین اطلاعات غلط و دروغین بود که پایه‌های تصویب قطعنامه 1737 (23 دسامبر 2006) و قطعنامه 1747 (24 مارس 2007) شورای امنیت را بنا نهاد.

اما در نهایت، واشنگتن در تاریخ سوم دسامبر 2007 و پس از آنکه "جان مایکل مک‌کانل" رئیس سازمان اطلاعات ملی آمریکا خلاصه‌ای از گزارش مرتبط با توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران را منتشر کرد، تمامی اتهامات خود علیه این کشور را پس گرفت. این گزارش تصریح می‌کرد که تهران هرگونه فعالیت هسته‌ای نظامی خود را از سال‌ها پیش متوقف کرده و حتی اگر هم این برنامه‌ها را ادامه دهد در موقعیتی نیست که دست‌کم تا سال 2015 بتواند به سلاح اتمی دست پیدا کند.

این گزارش می‌افزاید: اما هدف مک‌کانل از انتشار این گزارش تنها پایان دادن به بحث و جدل‌های پیش آمده نبود، بلکه مهم‌تر از آن، وی به همراه گروهی از افسران بلندپایه به همراه ژنرال "برنت اسکاوکرافت" می‌کوشیدند تا طرح‌های جنگی علیه ایران را به حالت تعلیق دریاورند. زیرا ایالات متحده بطور موقت دچار کمبود ابزارهای نظامی و اقتصادی شده بود.

گزارش ولترنت می‌افزاید: با چراغ سبز "رابرت گیتس" وزیر دفاع و با نظارت ژنرال "اسکاوکرافت"، مغز متفکر نظامی آمریکا، توافقاتی بین دریاسالار "ویلیام فالون" فرماندهی "فرمان مرکزی" آمریکا و همتایان وی بدست آمد.

اما این سناریوی تشنج‌زدایی به دنبال آن بوده است که شرایط را برای خروج سرفرازانه ایالات متحده از عراق فراهم کند. اگرچه دار و دسته بوش و چنی که همچنان از این جنگ بهره‌برداري مالی می‌کند، موفق شدند تا تحریم‌های جدید و قطعنامه 1803 علیه ایران را بلافاصله پس از استعفای دریاسالار فالون، به تصویب برسانند.

در پایان، حلقه بوش و چنی کوشید تا با مطرح کردن رژیم صهیونیستی به جای آمریکا به عنوان عامل حمله به ایران، مخالفت‌های ستاد مشترک ارتش ایالات متحده با چنین حمله‌ای را نیز دور بزنند.

در راستای همین دیدگاه، "تزال" یا نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی اقدام به اجاره دو پایگاه هوایی نظامی در گرجستان کردند، تا از آن طریق جت‌های جنگنده بتوانند بدون سوخت‌گیری مجدد به ایران برسند.

اما این نقشه صهیونیست‌ها نیز با بروز ناگهانی جنگ در اوستیای جنوبی و بمباران پایگاه‌های هوایی اسرائیل در گرجستان توسط روسیه، با شکست روبرو شد.

میسان ادامه می‌دهد: در پایان این تلاش‌ها، ژنرال اسکاوکرافت و باراک اوباما که همواره تحت حمایت او بوده است، وارد ماجرا شدند و کوشیدند تا دستور کار خودشان را به جلو ببرند؛ این دستور کار نیز عبارت است از آن که دیگر نباید به دنبال آمادگی برای جنگ علیه ایران بود بلکه می‌بایست فشار شدیدی را به تهران وارد کرد تا مجبور شود که در عراق و افغانستان با آمریکا و انگلیس همکاری کند. زیرا در واقع نیروهای غربی در هر دو عملیات عراق و افغانستان، در باتلاق گرفتار شده‌اند و این در حالی است که ایرانی‌ها اهرم‌های قدرتمندی را برای کنترل شیعیان عراق و آذری‌های افغانستان در اختیار دارند.

این گزارش می‌افزاید: بنابراین ژنرال اسکاوکرافت که در دسامبر 2007 افسانه تهدید هسته‌ای بودن ایران را بی‌ارزش و دروغ خواند و از تصویب تحریم‌های سال 2008 علیه ایران رنجید، در سال 2010 و تحت دولت اوباما، تبدیل به یکی از حامیان تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران شد.

رئیس کنفرانس "محور صلح" در ادامه مقاله خود با تأکید بر وابستگی انرژی بسیاری از کشورهای در حال رشد به کشورهای غربی می‌نویسد: ایران 60 سال است که توانسته استقلال انرژی خود را بدست بیاورد.

وی می‌افزاید: در دوران رژیم شاهنشاهی ایران، "محمد مصدق"، نخست‌وزیر این کشور شرکت نفت ایران و انگلیس را ملی کرده و اغلب مشاوران و تکنسین‌های انگلیسی را نیز از کشور بیرون کرد.

این گزارش با اشاره به آن که نفت نقش کلیدی را در توسعه صنعت ایران ایفا می‌کند و همین امر نیز یکی از دلایل تلاش ایرانیان برای ملی کردن نفت بوده است، می‌نویسد: اما لندن که احساس می‌کرد متضرر شده است، به دادگاه بین‌المللی لاهه مراجعه نمود و در آنجا نیز با شکست مواجه شد. انگلیس سپس از ایالات متحده خواست تا کودتایی را علیه دولت مصدق ترتیب دهد. در نتیجه با اجرای "عملیات آژاکس"، مصدق دستگیر شد و با ژنرال فضل‌الله زاهدی، کسی که سوابق نازی داشته است، جایگزین شد. بنابراین باید گفت که رژیم شاه با چنین اقداماتی تبدیل به ظالم‌ترین رژیم کره زمین شد.

این گزارش می‌افزاید: پس از سرنگونی رژیم شاه، انقلاب اسلامی بار دیگر بر استقلال انرژی خود، به عنوان یک هدف استراتژیک تأکید کرد. به همین خاطر تهران با پیش‌بینی به پایان رسیدن منابع نفتی خود، فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیزش را نیز در برنامه وسیع تحقیقات علمی و فنی خود شروع کرد.

از جمله دیگر دلایلی برای شروع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران وجود دارد این است که به گفته زمین‌شناسان، این کشور مملو از اورانیوم قابل استخراج است که حتی ارزشی بیشتر از نفت دارد.

بر اساس این گزارش، ایران به دلیل کمبود سوخت هسته‌ای، این سوخت را با کمک "رائول آلفونسین" رئیس‌جمهوری آرژانتین که سه توافقنامه را در سال‌های 1987 و 1988 امضا کرده بود، تأمین کرد.

در این راستا اولین مرتبه تحویل اورانیوم 19.75 درصد غنی شده، در سال 1993 انجام شد. اما این روند با حملات بمب‌گذاری بوینس‌آیرس در سال‌های 1992 و 1994 که به ایران نسبت داده شد، مختل گشت. این در حالی بود که به احتمال زیاد، موساد در پشت این حملات بوده است که طی دیکتاتورهای ژنرال "ویدلا" جای پای خود را در آرژانتین محکم کرده بود.

این گزارش با یادآوری همکاری‌های فراقانونی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌افزاید: در سال 2003، ایران پروتکل الحاقی معاهده NPT را امضا کرد. طبق تعهدات پروتکل الحاقی، امضا کنندگان آن می‌بایست تمامی سایت‌های هسته‌ای در دست ساخت را نیز به آژانس اطلاع دهند. این در حالی است که خارج از پروتکل الحاقی، کشورها فرصت دارند تا شش ماه پیش از عملیاتی شدن سایت، وجود آن را به آژانس اطلاع دهند.

در حقیقت بر اساس همین پروتکل بود که تهران ساخت واحدهای هسته‌ای جدید در نطنز و اراک را به آژانس اطلاع داد. اما پروتکل الحاقی موجب انتقال تعهد از یک سیستم حقوقی به سیستم دیگر نمی‌شود.

میسان توضیح می‌دهد: محمد خاتمی رئیس‌جمهوری وقت ایران پذیرفت تا با گروهی متشکل از اتحادیه اروپا، آلمان، فرانسه و انگلیس بر سر برنامه هسته‌ای کشورش مذاکره کند و همزمان نیز فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را نیز به حالت تعلیق در بیاورد. گزارش ولترنت ادامه می‌دهد: با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری ایران در اواسط سال 2005 میلادی، وی تأکید کرد که کشورش به اندازه کافی با بازرسی‌های آژانس همکاری کرده است و گروه مذاکره‌کننده با ایران نیز عمداً سعی در طولانی کردن تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم دارد. بنابراین وی تصمیم گرفت تا روند غنی‌سازی را ادامه دهد.

میسان می‌نویسد: از آن زمان اروپایی‌ها مدعی شدند که ایران عهد خود را شکسته است. اما دولت احمدی‌نژاد مانند هر دولت دیگری تنها نسبت به معاهداتی که مجلس تصویب کرده، مسئول است و هیچ التزامی در اجرای سیاست‌های دولت‌های پیشین ندارد. در مقابل آلمان، فرانسه و انگلیس حمایت گروه 8 را بدست آورده و با متقاعد کردن شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موضوع ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دادند.

در حقیقت رای شورای حکام در 4 فوریه 2006، به نوعی خبر از رای شورای امنیت در 9 ژوئن 2010 داشت. بطوریکه قدرت‌های بزرگ یک بلوک متراکم را شکل دادند و این در حالی بود که کوبا، سوریه و ونزوئلا علیه قطعنامه رای دادند.

میسان می‌نویسد: احمدی‌نژاد که از توهین آشکار غرب به ایرانیان خشمگین شده بود تصمیم گرفت تا امضای کشورش از پروتکل الحاقی را پس بگیرد و از پذیرش تعهدات دولت خاتمی خودداری کرد و بدین طریق به بحث و جدل با اتحادیه اروپا، آلمان، فرانسه و انگلیس پایان داد.

در پاسخ به این اقدام ایران، شورای امنیت بار دیگر با صدور قطعنامه 1696 خواستار تعلیق غنی‌سازی اورانیوم تهران شد. این در حالی است که از نظر قوانین بین‌المللی این قطعنامه فاقد هرگونه پایه و اساس قانونی است.

این گزارش می‌افزاید: منشور سازمان ملل، شورای امنیت را ابزار دست قدرت‌ها قرار نداده است تا از هر کشوری که دوست دارند بخواهند تا از حقوق خود به خاطر "اعتمادسازی" چشم‌پوشی کند.

به همین خاطر، از زمان تصویب قطعنامه 1696، ایران با حمایت 118 کشور عضو عدم تعهد، از تسلیم شدن در برابر خواسته‌های غیرقانونی شورای امنیت خودداری کرده است. و به بند 25 منشور سازمان ملل متحد اشاره می‌کند که تصریح کرده است، هیچ یک از کشورهای عضو ملزم نیستند تصمیمات شورای امنیت که خارج از حوزه منشور باشد، تبعیت کنند.

این گزارش در ادامه به انحراف آژانس از مسئولیت‌های حقیقی خود پرداخته و می‌نویسد: تمرکز مباحثات بین‌المللی بطور غیر قابل

مشاهده‌ای از کنترل برنامه هسته‌ای ایران توسط آژانس به زورآزمایی میان قدرت‌های حال حاضر و قدرت‌های در حال ظهور تبدیل شد. و در حقیقت کنترل برنامه هسته‌ای ایران توسط آژانس تنها یک قسمت از تغییر چهره مخالفت قدرت‌های حال حاضر دنیا با جهان سوم بود.

این گزارش با اشاره به آنکه رفتار قدرت‌های جهانی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران همان رفتاری است که آن‌ها زمانی در قبال نفت ایران انجام دادند، می‌افزاید: در پی جنگ جهانی دوم، آنگلساکسون‌ها قراردادهای مختلفی را با قیمت بسیار پایین برای استخراج نفت ایران منعقد کردند. آن‌ها همزمان مانع از آن شدند که ایران اقدام به ساخت پالایشگاه نفتی کند. بنابراین ایرانی‌ها مجبور بودند تا فرآورده‌های نفتی را با قیمت بالا و بدون هیچ تخفیفی از "بریتیش پترولیوم (BP) خریداری کند. این در حالی بود که بریتیش پترولیوم محصولات خود را از نفت دزدیده شده از ایرانی‌ها تولید می‌کرد. میسان می‌افزاید: امروزه قدرت‌های بزرگ می‌خواهند تا ایران را از غنی‌سازی اورانیوم خود برای تولید سوخت مورد نیاز برای اهداف صلح‌آمیز منع کنند. این بدان معناست که ایران در عمل از استفاده از سرمایه‌های معدنی خود منع می‌شود و مجبور می‌شود که این سرمایه را به قیمت ارزانی بفروشد.

در سال 2006، انگلیس و آمریکا قطعنامه‌ای را در شورای امنیت تصویب کردند که از تهران می‌خواست تا تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی از جمله تحقیق و توسعه را به حالت تعلیق درآورد. در پی این قطعنامه، پیشنهادی نیز از سوی غرب مبنی بر خرید اورانیوم ناخالص از ایران و فروش اورانیوم غنی شده در ازای آن به ایران، ارایه شد.

ميسان می‌نویسد: پاسخ محمود احمدی‌نژاد به این اخاذی غرب، مثل واکنش گاندي در شرایط مشابه بود. در دوران گاندي، انگلیس مانع از ریسندگی کتان هندی بدست مردم این کشور شد. بنابراین انگلیسی‌ها مواد خام را به قیمت ارزانی از هندی‌ها می‌خریدند و سپس اجناس ساخته شده از همان کتان را با قیمت بالایی به هند می‌فروختند.

اما گاندي با نقض قانون امپریالیستی انگلیس، کتان را بوسیله یک چرخ ریسندگی بسیار ابتدایی ریسید و همان چرخ نیز تبدیل به نماد حزب سیاسی وی شد.

در همین حال انگلیس حق انحصاری استفاده از نمک هند را نیز در اختیار گرفت و مالیات بسیار سنگینی را برای این محصول اعمال کرد.

این بار نیز گاندي با سازمان‌دهی یک تظاهرات حماسی در سراسر کشور به مقابله با قانون مذکور پرداخت و بدون پرداخت مالیات اقدام به جمع‌آوری نمک کرد.

این گزارش با بیان آنکه هند توانست بواسطه چنین اقداماتی، استقلال اقتصادی خود را احیا کند می‌افزاید: اظهارات شدیدالحن محمود احمدی‌نژاد در جریان بهره‌برداری از سانتریفیوژهای ایرانی را نیز می‌توان در همین راستا توصیف کرد. در حقیقت ایرانی‌ها تأکید کردند که می‌خواهند خودشان از منابع معدنی کشورشان بهره بگیرند و بدین طریق با فراهم کردن امنیت انرژی، به توسعه اقتصاد ایران کمک کنند.

روزنامه‌نگار صاحب‌نام فرانسوی و رئیس کنفرانس "محور صلح" در ادامه مقاله خود با تأکید بر آنکه هیچ بخشی از معاهده NPT، مانع از غنی‌سازی اورانیوم توسط اعضا نمی‌شود، می‌نویسد: طی اجلاس امنیت هسته‌ای واشنگتن که 12 و 13 آوریل 2010 برگزار شد، "لولا داسیلوا" رئیس‌جمهوری برزیل آمادگی کشورش برای میانجیگری در مسئله هسته‌ای ایران را به همتای آمریکایی خود اطلاع داد. وی همچنین از اوباما پرسید که چه مواردی برای ایجاد فضای اعتمادساز و توقف روند صدور قطعنامه‌های شورای امنیت نیاز است.

بر اساس این گزارش، در مقابل، رئیس‌جمهور اوباما نیز پاسخ خود را 20 آوریل با ارسال نامه‌ای به لولا بیان کرد و برگزاری مذاکراتی مانند مذاکرات نوامبر 2009 را برای ایجاد فضای اعتمادساز و توقف روند صدور قطعنامه‌ها کافی دانست.

ميسان در مورد بیانیه تهران توضیح می‌دهد: ایران می‌توانست اورانیوم کمتر غنی شده را با اورانیوم 20 درصد مبادله کند. و این تبادل نیز در یک کشور ثالث مثل ترکیه انجام می‌شد. در این حالت تهران می‌توانست بدون آنکه خود مستقیماً اقدام به غنی‌سازی اورانیوم کند، برای اهداف پزشکی خود سوخت رآکتور را تأمین نماید.

این گزارش با اشاره به آنکه اوباما نامه مشابهی را برای همتای ترک خود نیز فرستاد که البته علنی نشد می‌نویسد: رئیس‌جمهور برزیل بلافاصله به مسکو رفت و روز 14 می 2010 رئیس‌جمهور مدوودیف طی یک کنفرانس خبری اعلام کرد که پیشنهاد تبادل، راه حلی پذیرفته شده است و دیدگاه دولت روسیه را نیز تأمین می‌کند.

پس از این بود که لولا به همراه نخست‌وزیر ترکیه به تهران رفت و اسناد مرتبط با تبادل سوخت را با رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد امضا کرد.

بعد از امضای بیانیه تهران، محمود احمدی‌نژاد اعلام کرد که اگر این توافقنامه تأیید شود، آنگاه کشورش نیازی به غنی‌سازی اورانیوم ندارد اما اگر تبادل نقض شود، کشورش با توجه به دانش فنی خود اقدام به غنی‌سازی اورانیوم 20 درصد خواهد کرد.

ميسان ادامه می‌دهد: اما واشنگتن با تغییر موضع خود، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به شورای امنیت ارایه کرد که جزئیات آن با دیگر اعضای دائم نیز مورد مذاکره قرار گرفته بود.

در نهایت پس از سه هفته فعالیت، متن تعدیل شده‌ای از آن برای بحث و بررسی به شورای امنیت ارایه شد.

در همین حال شرکای غربی تنها برای حفظ ظاهر، نظراتشان در مورد بیانیه تهران را تنها چهار ساعت قبل از تصویب قطعنامه به ایران اعلام کردند.

در حقیقت آن‌ها که نمی‌خواستند یک توافقنامه موقت را بپذیرند، از ایران خواستند تا از توانایی فنی غنی‌سازی خود چشم‌پوشی کند.

در نتیجه قطعنامه 1929 با همکاری روسیه و چین در تاریخ 9 ژوئن به تصویب رسید.

از سوی دیگر، برای برزیل، ترکیه، ایران و 118 کشور عدم تعهد، تصویب قطعنامه به منزله یک شوک شدید بود. که در نتیجه آن بطور کامل مشخص شد که قدرت‌های بزرگ در واقع به دنبال ممانعت از ساخت بمب هسته‌ای توسط ایران نیستند، بلکه آن‌ها می‌خواهند تا جلوی کسب مهارت‌ها و فنون لازم توسط ایران را بگیرند تا این کشور نتواند استقلال خود را تأمین کند.

این گزارش در تشریح بازتاب‌های تصویب قطعنامه 1929 می‌نویسد: در روزهای پس از تصویب قطعنامه، اختلافات داخلی در میان سران روسیه شروع به پدیدار شدن کرد. در همین حال یک رشته اظهارنظرهای متناقض بیان شد که شمول فروش موشک‌های زمین به هوای اس - 300 روسیه به ایران در قطعنامه اخیر را مورد تأیید و تکذیب قرار می‌داد. تا آنکه در نهایت مدوودیف این گونه موضع‌گیری کرد: "تحویل تسلیحات ضد هوایی به ایران به حالت تعلیق درآمده است." این اظهارنظر از دیدگاه فنی به آن اشاره داشت که بمباران ایران همچنان به عنوان یک گزینه محتمل نظامی روی میز باقی مانده است.

در ادامه تشدید فشارها، ابتدا واشنگتن و سپس اتحادیه اروپا نیز تحریم‌هایی را علاوه بر تحریم‌های سازمان ملل، علیه ایران به تصویب رساندند. که این‌گونه مواضع در حقیقت با هدف محروم ساختن ایران از انرژی مورد نیازش برای فعالیت‌های اقتصادی و جلوگیری از فروش نفت تصویب شده و یا هرگونه سوخت دیگر توسط شرکت‌های غربی به تهران بود.

میسان با اشاره به نتایج تحریم‌های غرب علیه ایران می‌نویسد: اما اولین نتیجه اعمال تحریم‌های یک طرفه آمریکا و اروپا علیه ایران، آن بود که توتال مجبور شد تا از ایران خارج شود. در پاسخ به این اقدام، سلسو آمورین وزیر خارجه برزیل اعلام کرد که شرکت‌های کشاورزی صنعتی کشورش می‌توانند خطر تأمین اتانول ایران را بپذیرند.

در همین حال، شرایط در مسکو نیز به حد بحران رسید و حامیان ولادیمیر پوتین نخست‌وزیر روسیه حس کردن که فریب خورده‌اند. در دیدگاه آن‌ها تحریم‌ها علیه ایران به معنای بی‌ثبات‌سازی این کشور نبود. زیرا آن‌ها با این هدف بر مشارکت مدوودیف با ایالات متحده صحنه گذاشتند که تحریم‌ها تنها به آنچه که سازمان ملل تصویب می‌کند محدود شود. اما آن‌ها در عمل انجام شده قرار گرفتند و قطعنامه شورای امنیت به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای وضع تحریم‌های یک‌جانبه از سوی واشنگتن مورد استفاده قرار گرفت تا ایران را تحت فشار قرار دهد.

این گزارش می‌افزاید: رابرت گیتس وزیر دفاع نیز در جلسه سنای آمریکا به طعنه از آشفتگی و دستپاچگی کرملین "رویگرد شیزوفرنیک" آن در قبال مسئله تهران سخن گفت.

در آلمان نیز آنگلا مرکل صدر اعظم، با ذوق و شوق دستور توقیف تجهیزات مورد نیاز برای ساخت نیروگاه برق هسته‌ای بوشهر را صادر کرد و مهندسان روس را با مشکل روبرو ساخت.

همزمان و در حالی که خشم روسیه نیز لحظه به لحظه افزایش می‌یافت، "چارکین" نماینده روسیه از دیگر اعضای شورای امنیت خواست تا به خود بیایند.

از سوی دیگر در پکن نیز اوضاع تیره و تار بود. در واقع چین در ازای لغو تحریم‌های جدید علیه کره شمالی، با قطعنامه 1929 موافقت کرده بود. این کشور که حس می‌کرد قادر نیست همزمان از کره شمالی و ایران دفاع کند، تسلیم واشنگتن شد و این در حالی بود که این اقدام پکن کاملاً بی‌فایده بود زیرا ایالات متحده کمی بعد و در اجلاس جی 8 بار دیگر دستور کار سابق خود را مطرح کرد.

این گزارش در تشریح واکنش ایران به قطعنامه شورای امنیت می‌نویسد: شورای عالی امنیت ملی ایران در یکی از اظهارنظرهای خود تأکید کرد که شورای امنیت سازمان ملل صلاحیت تصویب قطعنامه 1929 را نداشته است.

در همین حال هوگو چاوز رئیس‌جمهوری ونزوئلا نیز در حمایت از موضع ایران اعلام کرد که کشورش از تصمیمی که فاقد اساس قانونی است پیروی نخواهد کرد. و نه تنها سوخت مورد نیاز تهران را تأمین می‌کند بلکه خدمات بانکی که قطعنامه شورای امنیت برای تهران ممنوع کرده است را هم در اختیار ایران خواهد گذاشت.

بر اساس این گزارش، ایران همچنین اعلام کرد که مذاکرات را تا یک ماه به تعویق می‌اندازد و شرایطی را هم برای ادامه آن اعلام کرد. این گزارش حاکیست، محمود احمدی‌نژاد با انتشار بیانیه‌ای به کشورهای مذاکره کننده گفت که می‌باید حسن نیت خود را نشان داده و هرگونه شک و شبهه موجود در مورد "استانداردهای دوگانه" را رفع کنند. و متعهد شوند که رژیم‌صهیونیستی را نیز وادار به امضای NPT و در نتیجه پذیرش بازرسی‌های آژانس نمایند. احمدی‌نژاد همچنین به کشورهای مذاکره کننده تأکید کرد که خود آن‌ها نیز می‌باید به NPT بیایند باشند و اقدام به نابودسازی ذخایر تسلیحات هسته‌ای خود نمایند.

تیری میسان ادامه می‌دهد: اما از دیدگاه غرب، مواضع تهران به عنوان روشی برای اتلاف وقت تفسیر شد و آن‌ها بیان داشتند که تهران شرایط غیر واقعی را بیان می‌کند که نشان دهنده تمایل این کشور به توقف مذاکرات است.

این در حالی بود که تهران انگشت خود را روی مرکز تناقضات NPT گذاشته بود. تناقضاتی که طی 40 سال گذشته به قدرت‌های بزرگ اجازه داده بود تا توانایی‌های هسته‌ای خود، چه نظامی و چه غیرنظامی، را نگهداری کنند و با جلوگیری از پیوستن قدرت‌های در حال ظهور به باشگاه کشورهای هسته‌ای، بر دنیا مسلط باشند.

این نویسنده فرانسوی می‌افزاید: جای تعجب نیست که واکنش واشنگتن، تلاشی برای تشدید مجادله باشد. بطوریکه لئون پانتا رئیس سازمان سیا طی یک برنامه تلویزیونی اظهار داشت که طبق اطلاعات جدید بدست آمده، ایران هم‌اکنون اورانیوم کمتر غنی شده مورد نیاز برای ساخت بمب هسته‌ای را در اختیار دارد.

این در حالی است که چنین ادعایی کاملاً بدور از حقیقت است. زیرا ایران تنها اورانیوم 20 درصد در اختیار دارد و برای ساخت تسلیحات اتمی به اورانیوم 70 و یا 80 درصد غنی شده نیاز است.

میسان در ادامه گزارش خود نتیجه می‌گیرد: پس از گذشت سی سال از تولد جمهوری اسلامی، ایران همچنان در مسیر خود قرار دارد.

بطوریکه ایران با وجود جنگ نیابتی که توسط ابر قدرت‌ها علیه وی شروع شده است، و بدون توجه به انواع و اقسام تحریم‌ها، این کشور معماری روابط بین‌الملل را به چالش می‌کشد و برای استقلال خود و دیگر کشورها تلاش می‌کند.

این گزارش می‌افزاید: با نگاهی به سوابق اظهارنظرهای سران و دیپلمات‌های ایران در مورد سازمان ملل می‌بینیم که ایران همواره از نفوذ و تسلط قدرت‌های بزرگ بر دیگر کشورها انتقاد می‌کرده و از دارا بودن حق وتو و کرسی دائم قدرت‌ها در شورای امنیت ناراضی بوده است.

در مقابل، می‌توان دید که رسانه‌های غربی چگونه طی این مدت جار و جنجال‌های تبلیغاتی به راه می‌انداختند تا توجهات را از موضوعات مورد تأکید مقامات ایران منحرف سازند.

رئیس کنفرانس محور صلح می‌نویسد: در حالی حاضر، موضع ایران در مسئله هسته‌ای نه تنها تغییر نکرده، بلکه عمیق‌تر نیز شده است. بطوریکه این کشور از یک خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای دفاع می‌کند و تهران هیچ‌گاه تلاش را برای رسیدن به این هدف متوقف نکرده است. هدفی که پس از مدت‌ها، سازمان ملل نیز به آن توجه کرده است و به رغم مخالفت‌های تند و خشم‌آلود اسرائیل، دنبال می‌شود.

ایران ابتکار عمل‌های مختلفی را برای کمک به شکل‌گیری یک دیدگاه واحد در کشورهای جهان سوم نسبت به مسئله هسته‌ای ارایه کرده است که در جدیدترین این ابتکارها، تهران "کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای" را در آوریل 2010 برگزار کرد.

این گزارش می‌افزاید: خودداری قدرت‌های بزرگ از پایبندی به معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای موجب نگرانی ایران است. زیرا آن‌ها می‌بایست بی‌درنگ اقدام به نابودسازی ذخایر تسلیحات هسته‌ای خود نمایند.

این در حالی است که دولت اوباما در موضعی مخالف با معاهدات بین‌المللی، دکتین هسته‌ای جدید خود را منتشر کرد و اعلام کرد که نه تنها از تسلیحات هسته‌ای خود برای اقدامات تلافی‌جویانه استفاده خواهد کرد بلکه این حق را برای خود محفوظ می‌داند که از آن برای حمله به کشورهای غیرهسته‌ای نیز استفاده کند.